

متن پرسش

با سلام: ببخشید استاد عزیز بنده اشخاص زیادی را می شناسم که در انجام سلوک فردی بسیار کوشا هستند و به مقاماتی رسیده اند اما هیچ کاری با انقلاب و شرایط روز ندارند مگر این سلوک فردی نباید انسان را به سلوک اجتماعی برساند و اگر اینگونه است چرا این افراد که عموماً محرمات الهی و انجام واجبات و مستحبات را به جا می آورند به همچین سلوکی که شما در این تاریخ با انقلاب اسلامی می فرمایید نمی رسند مشکل آن ها کجاست و آیا این که این افراد به چنین جایی نمی رسند ضعفی برای آنان است چون آنان به واقع فکر می کنند به تمام دین دست پیدا کرده اند. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: سلوک فردی به تنهایی یک امر فکری است و البته در جای خود مفید می باشد. ولی سلوکی که در بستر تاریخی باشد که با انقلاب اسلامی شکل گرفته، سلوک قلبی است و موجب شور ایمانی می شود و راه شهدا را در مقابل ما می گشاید.

با حضور انقلاب اسلامی در تاریخ، منابع هویت بخشی ما که در جهان مدرن در حال بیرنگ شدن و فراموشی بود، امکان بازخوانی یافت و توانستیم از آینده ی تیره و تاری که جهان مدرن گرفتار آن است، به آینده ای دیگر نظر اندازیم و آن چنان با به ظهور آمدن انسانیت توسط شهدا، روحی انسانی چشم ها را به خود جلب کرد که امیدواری به حقیقت دل ها را گرم نمود و این یعنی باز انسان می تواند در اندیشه های متعالی مأوا بگیرد و باز خداوند در جان ها حاضر شود و زندگی از سرگردانی و بی جهتی، جهت خود را پیدا کند. زیرا پس از سال ها روشن شد آن جا که معنا و حقیقت نباشد، آدمی نمی ماند. آدمی زیر سایه ی حقیقت مأوا می گیرد و از پوچی دنیای مدرن فاصله می گیرد تا گرفتار زندگی روزمره نگردد و به هر چیز تن دهد. و از این جهت در این زمانه نیاز به سلوکی داریم در بستر انقلاب اسلامی. موفق باشید